

بازتاب جنسیت و سبک زندگی در خانه‌های دوره قاجار اردبیل

چکیده

منظور از جنسیت و سبک زندگی نوعی پدیده اجتماعی شده جنسیت است که روی فضای معماری تأثیر گذاشته است. هدف پژوهش این است که با بررسی جامعه آماری ارتباط بین جنسیت و معماری خانه‌های قاجاری اردبیل با در نظر گرفتن مکان مطبخ بررسی و تحلیل شود. پرسش تحقیق این است که موضوع جنسیت چگونه در طراحی و ساخت خانه‌های قاجاری اردبیل نقش داشته است؟ در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی، و تاریخی-تفسیری استفاده شده است. جامعه آماری، خانه‌های قدیمی شهر اردبیل است که از بین آن‌ها ۶ نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. برای گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی از کتب، مقالات و مشاهده میدانی انجام شده است. مبانی نظری تحقیق بر این دیدگاه استوار است که سبک زندگی و جنسیت در شکل معماری خانه‌های اردبیل بازتاب داشته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در دوران قدیم، سبک زندگی و جنسیت بر چگونگی و ساخت خانه‌ها تأثیر داشت. به عبارتی دیگر، زنان به علت اوضاع اجتماعی آن دوره‌ها باید از دید نامحرممان به دور می‌بودند. چون زمان بسیاری را در مطبخ سپری می‌کردند به همین دلیل از آنجا می‌توانستند فضای بیرون یعنی حیاط را ببینند، متوجه آمدن و حضور میهمانان شوند و در عین حال نباید کسی از درون حیاط دید به آن‌ها داشته باشد. این پدیده سبب شد که اغلب مطبخ‌ها در شهر اردبیل در زیرزمین خانه ساخته شوند.

اهداف پژوهش:

۱. مشخص کردن رابطه سازماندهی فضا در خانه‌های قاجاری اردبیل با مسئله جنسیت.
۲. مشخص کردن رابطه جایگاه زنان و ویژگی‌های معماری عمارت‌های دوره قاجار در اردبیل.

سؤالات پژوهش:

۱. چه رابطه‌ای بین هویت جنسیتی و هویت فضایی در عمارت‌های مسکونی دوره قاجار در اردبیل وجود دارد؟
۲. ویژگی‌های معماری در خانه‌های شهری اردبیل در دوره قاجار چگونه از هویت جنسیتی و جایگاه اجتماعی، مذهبی و موقعیت زنان و مردان تأثیر پذیرفته است؟

کلیدواژه‌ها: جنسیت، سبک زندگی، خانه‌های قاجاری اردبیل، مطبخ.

مقدمه

درباره معماری خانه‌های مسکونی ایران در دوره قاجار و ارتباط آن با سبک زندگی و جنسیت مطالعات زیادی صورت نگرفته است. با توجه به تغییرات اقلیمی و همچنین تحولات گوناگونی که در دوره قاجار به وجود آمد، خانه‌های مسکونی در این دوران دارای تنوع و تفاوت‌هایی در سراسر ایران هستند؛ از این رو، رویکرد اصلی این پژوهش اهمیت جایگاه زن (جنسیت) و تأثیر آن بر فضای معماری خانه‌هاست. لذا سعی شده است خوانش فضا در رابطه با جنسیت و سبک زندگی و تغییرات آن در دوره قاجار با نگاهی ژرف مورد مطالعه قرار گیرد و بازتاب آن در معماری خانه‌ها بررسی شود. نمونه‌های مورد مطالعه از منطقه جغرافیایی اردبیل انتخاب شده‌اند که دارای قدمت تاریخی زیادی است. در این تحقیق خانه‌های اعیانی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند؛ زیرا خانه‌های مردم عامه در این دوران بیشتر تحت تأثیر اقلیم بود. همچنین نمونه‌های قابل مطالعه و دارای ارزش از خانه‌های مردم عامه در آن دوران موجود نیست. در نمونه‌های اعیانی به دلیل اینکه کمتر تحت تأثیر اقلیم هستند، بهتر می‌توان تأثیر سبک زندگی و جنسیت را بررسی کرد زیرا در خانه‌های اشرافی به دلیل شرایط خاص زندگی ساکنین آن، و همچنین گستردگی ساختار خانواده، نوع زندگی تابع شرایط اجتماعی و مرد خانواده است.

جنسیت، مفهومی است که از طرق اجتماعی، فرهنگی و تاریخی ایجاد می‌شود و در خلال زمان و مکان دست‌خوش تغییر است. بنابراین رابطه میان جنسیت و فضا یکی از ابعاد ارتباط میان فرهنگ و فضای معماری است (فلسفی، ۱۳۴۷). با مروری تاریخی درمی‌یابیم که جایگاه اصلی زن ایرانی، بخشی از خانه به نام اندرونی است که تقریباً تمام سفرنامه‌نویسان و حتی تاریخ‌نگاران داخلی بر آن اذعان دارند؛ و از زنانی در حال سرک‌کشیدن از پس دیوارهای بلندی که معمولاً پنجره‌های بیرون ندارد یاد می‌کنند (سرن، ۱۳۶۲). خانه‌های سنتی ایرانی به دو بخش اندرونی و بیرونی تقسیم می‌شدند که زنان معمولاً در بخش بیرونی حاضر نمی‌شدند. به نظر می‌رسد محدودیت زن ایرانی و ارتباط آن با معماری خانه‌های ایرانی غیرقابل انکار است.

زندگی زنانه در فرهنگ ایرانی در دو فضای کاملاً تعریف شده امکان داشت: اول در خانه پدر، دوم در خانه شوهر. به نظر می‌رسد که حالت سومی وجود نداشت. این تعریف تنها نوعی نام‌گذاری فضایی نبود؛ بلکه بخشی از اجبارهای عریض و طویل و نامحدود مناسبات اجتماعی است که زنان را به عنوان عنصری متعلق به حوزه خصوصی مردانه معرفی می‌کرد (صفری: ۱۳۷۰). در سال‌های گذشته فضای اندرونی و کنترل‌شده به آهستگی، مفهوم مکانی خاص خود را برای همیشه از دست داد؛ سپس توانایی انتقال از خانه به محله و فضاهای بزرگ شهری را پیدا کرد. این توانایی نه تنها در عرصه‌های عمومی شهر نمودار شد بلکه به نوعی چگونگی حضور زنان در محیط شهری را تحت تأثیر قرارداد (Anonymouse, ۲۰۱۱). روابط اجتماعی و زندگی روزمره زنان شهری ایرانی در گروه‌های سنی و طبقاتی مختلف، متفاوت و حتی در برخی موارد به شدت محدود است (Dickson, ۱۹۸۱). در دهه اخیر جامعه ایرانی با ورود بیش

از پیش زنان و دختران جوان به محیط‌های کار و آموزش که در تناقض با دیدگاه‌های سنتی بود، مواجه شد (نیکنامی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵). شاپان ذکر است که بسته‌بودن فضای فعالیت زنان و حاکمیت قوانین اندرونی هنوز در بسیاری از محله‌های قدیمی و نزد خانواده‌های سنتی وجود دارد (Gholsorkhi, ۱۹۹۵, ۱۴۳). در اغلب محله‌های سنتی کوچه‌ها و بن‌بست‌ها در امتداد خانه‌ها قرار دارند و به‌نوعی فضای گذر از فضای گذر از فضای بسته خانه به فضای بزرگ شهر تلقی می‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۸۵). از سوی دیگر، مانوئل کاستلز در تحلیل روابط مردسالارانه سرزمین آسیا را مجزا کرد و متذکر شد که سرزمین آسیا با روند تمدن مغرب زمین همراه نبوده است و هنوز مردسالاری در آن جا حکومت می‌کند و به‌ندرت به چالش طلبیده می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۱۲۹-۱۳۰). تفاوت بین حوزه عمومی و حوزه خصوصی، کار بیرون و کار درون خانه و تقسیم نقش خانگی و نقش اجتماعی در شهرهای شمال غربی بیشتر از شهرهای نقاط دیگر دیده می‌شود. برای مثال؛ حضور زنان در فضاهای عمومی شهرهای شمال غربی ایران در زمین‌های کشاورزی و انواع دیگر کارها برای تأمین مخارج خانواده امری غیر قابل پذیرش بود. (کاظمی: ۱۳۸۸). بنابراین این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش است: موضوع جنسیت در اردبیل چگونه بر پلان‌های خانه و به‌خصوص محل مطبخ تاثیرگذار بوده است؟ دریچه و پنجره‌های موجود در مطبخ‌های اردبیل چه کاربردی داشته‌اند؟

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون تحقیق مستقلی با این عنوان به‌رشته تحریر درنیامده است اما در پژوهش‌های متعددی به بررسی سازه‌های معماری ایرانی و مطبخ یا آشپزخانه پرداخته شده است. ناری قمی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «آشپزخانه مدرن و مفهوم اجتماعی - فرهنگی آن» مفاهیم فرهنگی - اجتماعی آشپزخانه در زندگی امروزی از دیدگاه زن ایرانی در شهر قم را بررسی کرده است و بر اساس یک پژوهش پیمایشی در پی بازتعریف مؤلفه‌های تعریف شده از این فضا توسط زنان است. آزاد ارمکی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «آپارتمان‌نشینی و آشپزخانه در ایران» در صدد کاوش تجربه زیست زنان ایرانی در آشپزخانه‌های باز از طریق مصاحبه با زنان تهرانی است. در تحقیقات اشاره شده، مؤلفه‌های فرهنگی در ارتباط با زنان در آشپزخانه‌های معاصر بررسی و ارزیابی شده است. در سایر مقالات نیز ضمن بررسی گونه‌شناسی خانه ایرانی و مفاهیم فرهنگی مرتبط با آن به این موضوع در ضمن تحلیل‌های کلی و گاه شخصی (بدون بررسی میدانی) اشاره شده است، اما تحلیل عمیقی درباره نحوه تأثیر مدرنیزاسیون این فضا به‌ویژه در میان اقشار مختلف صورت نگرفته است/ یگانه نمونه قابل ذکر، اثر حائری (۱۳۸۸) در کتاب «خانه، فرهنگ، طبیعت» است.

در حوزه منابع خارجی در ارتباط با روند تحول در معماری فضای آشپزخانه و تکنولوژی، کتاب «طراحی آشپزخانه» بادن پاول (Baden Powell) در سال ۱۹۹۷، ضمن بررسی الگوهای استاندارد طراحی آشپزخانه، تاریخچه‌ای مختصر از روند تغییر از شومینه‌های باز تا خوراک‌پزهای امروزی دارد که نشان می‌دهد به‌طور کلی تغییرات اجتماعی و ابداعات فن آوری باعث کاهش مدت زمان کار در آشپزخانه شده است و یا کتاب «در خانه: انسان‌شناسی فضای خانگی» که مشتمل بر ۱۲ مقاله با تمرکز بر فضای خانگی غربی به ویراستاری آیرین سیراد (Cieraad Irene) در سال ۲۰۰۶ است. این کتاب با توجه به یک تحلیل اجتماعی در فعالیت‌های خانگی مانند لباس شستن، غذا خوردن و ... نگاهی نو به فضاهای زنان به ویژه آشپزخانه و غذاخوری دارد. این پژوهش که بیشتر از زاویه اجتماعی - فرهنگی و انسان‌شناسی به مقوله معماری در خانه می‌پردازد، فاقد هرگونه مستندات تصویری و تحلیلی معماری است.

پژوهش حاضر از نوع کیفی می‌باشد و به صورت توصیفی-تحلیلی و تاریخی-تفسیری است. در دو بخش کتب و مقالات در دسترس و زمینه اسناد اعم از سفرنامه‌ها و ... تهیه گردیده است. بخش اعظم اطلاعات، مستخرج از کتب و مقالات بوده است که توسط نگارندگان مورد بازخوانی قرار گرفته است. محدوده زمانی پژوهش دوره قاجار می‌باشد. در این پژوهش، متغیر مستقل جنسیت و متغیر وابسته چگونگی طراحی خانه و به‌ویژه آشپزخانه می‌باشد. برای گردآوری داده‌ها علاوه بر مواردی که در بالا گفته شد همچنین به صورت میدانی از خانه‌ها بازدید به عمل آمده است. جامعه آماری ۱۶ خانه قاجاری اردبیل بوده که تمامی آن‌ها بازدید شده و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند که همگی آن‌ها از لحاظ ساختار مشابه بوده که از بین آن‌ها ۸ مورد انتخاب شدند و انتخاب آن‌ها براساس در دسترس بودن خانه‌ها برای انجام عکس‌برداری بود.

نتیجه‌گیری

براساس نمونه‌های موجود و با تحلیل و بررسی آن‌ها چنین برآمد که با توجه به پلان‌ها، اشرافیت کامل بانوان در مطبخ نسبت به افراد موجود در حیاط با استفاده از پنجره‌هایی با عمق زیاد امری گریزناپذیر بوده است. با دقت در نمونه‌ها به نظر می‌رسد که این امر تصادفی و بدون دلیل نبوده است. بانوان که مدت زمان بیشتری در مطبخ حضور دارند بتوانند از آنجا رفت و آمدها را کنترل کنند. و می‌توان این‌گونه بیان داشت که در دوره‌های پیشین با توجه به اقتضای شرایط اجتماعی آن دوره حس محرمیت یا همان جنسیت تأثیر بسزایی بر معماری خانه‌ها داشته است که متقابلاً سبک زندگی آن دوره متفاوت تر نسبت به حال حاضر می‌باشد و میتوان با دقت در تحلیل این خانه‌ها به این نتیجه رسید.

به نظر می‌رسد که در آن دوره‌ها توجه معماری خانه‌ها بیشتر به‌گونه‌ای بوده است که افراد موجود در حیاط (محیط خارج) هیچ‌گونه دیدی به داخل مطبخ نداشته باشند و بانوان با کمال آرامش و راحتی به آشپزی مشغول باشند. افراد غربیه که وارد حیاط می‌شوند هیچ‌گونه دیدی به محیط داخل مطبخ نداشته باشند. حتی اگر در یک قسمتی از حیاط می‌ایستادند و داخل مطبخ را تماشا می‌کردند تاریکی فضای مطبخ و عمق زیاد پنجره‌ها اجازه دید را نمی‌داد، و به نظر می‌رسد که این امر تصادفی نباشد زیرا در اکثر خانه‌های قدیمی اردبیل رعایت شده است.

معماری با فرهنگ ارتباط متقابل دارد و فرهنگ هر شهری متأثر از معماری هست، درعین حال معماری هم متأثر از فرهنگ است. همه افراد مذکر و مؤنث جامعه در طول فرآیند اجتماعی شدن، می‌آموزند که گروه خاصی از فعالیت‌ها زنانه و نحوه دیگری از رفتارها مردانه، تلقی می‌شوند. در دوران مختلف تاریخ ایران، تعاریف و دیدگاه‌ها نسبت به زن متفاوت بوده که پارادایم‌های غالب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آیینی را می‌توان در تحولات این دیدگاه‌ها دخیل دانست. می‌توان به تغییر در شکل و جانمایی آشپزخانه اشاره داشت. همان‌طور که در جداولی که در قسمت‌های پیشین به آن اشاره شد به نظر می‌رسد می‌توان به این نتیجه رسید که با گذشت زمان و تغییر فرهنگ در جامعه، حس محرمیت و جنسیت و به تبع آن سبک زندگی تغییر کرده و معماری خانه‌ها دچار تغییر بسیاری شده است. یافته‌های پژوهش مشخص می‌سازد که عوامل اجتماعی و جغرافیایی در شکل‌گیری فضاها تأثیرگذار بوده‌اند. با برقراری پل

ارتباطی بین معماری سنتی و مدرن می‌توان شیوه‌های منطقی برای آسایش و آرامش انسان‌ها را فراهم آورد. برای این منظور کافی است نگرش جامع و بوم‌گرایانه و با توجه به الگوی موجود در فضاهای سنتی هر منطقه طراحی و اثری نو پدید آورد که معرف هویت ایرانی باشد. به هر روی چه بخواهیم و چه نخواهیم سبک زندگی در حال تغییر و تحول است اما باید به سمتی حرکت کنیم که فرهنگ اصیل ایرانی نیز از معماری خانه‌هایمان رخت برنبد. معماری که در آن حوض بود و ماهی، گل‌های شمعدانی که دورتادور حوض چیده می‌شد، یک هشتی برای ورودی‌ها و جدابودن فضاهای خصوصی و عمومی با یکدیگر، که همگی امری مهم بودند، از بین نرود.

منابع

- آزاد ارمکی، مرضیه. (۱۳۹۲). «آپارتمان‌نشینی و آشپزخانه در ایران». *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۹(۳۱)، شماره ۳۱، ۶۳-۷۶.
- اوبن، اوژن. (۱۳۹۰). *سفرنامه اوژن اوبن ایران امروز*. ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: نشر علم.
- الکساندر، ک. (۱۳۸۹). *الگوهای استاندارد در معماری*. ترجمه: فرشید حسینی، تهران: نشر مهرآزان.
- تاج بخش، احمد. (۱۳۸۲). *تاریخ تمدن و فرهنگ در دوره قاجار*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- توانا، مرادعلی. (۱۳۸۰). *زن در تاریخ معاصر ایران*. جلد اول، تهران: نشر برگ زیتون.
- جامعی، بیوک. (۱۳۶۹). *نگاهی به آثار و ابنیه تاریخی اردبیل*. تبریز: چاپ تابش، تبریز.
- جلالی، محمود، بنی‌نجاریان، صفورا. (۱۳۹۱). «روند تدریجی توسعه حقوق مدنی- سیاسی زنان در ایران از آغاز تا کنون». *فصلنامه سیاست*، ۴۲(۱)، ۱۱۷-۱۳۲.
- جهانی، مهناز؛ چنگیز، سحر. (۱۳۹۶). «مطالعه تطبیقی مد لباس بانوان دربار فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه قاجار». *مجله زن در فرهنگ و هنر*، ۹(۳)، ۳۸۵-۴۰۷.
- دلاواله، پیتر. (۱۳۸۰). *سفرنامه دلاواله*. ترجمه: محمود به فروزی، جلد ۲، تهران: نشر قهره.
- دلریش، بشری. (۱۳۷۵). *زن در دوره قاجار*. تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۵۷). *تاریخ اجتماعی ایران*. جلد سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سرنا، کارلا. (۱۳۶۲). *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*. ترجمه: علی اصغر سعیدی. ناشر: کتابفروشی زوآر.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۱). *فضاهای ورودی خانه‌های تهران قدیم*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- سنفورد، جان. (۱۳۸۵). *بت‌های ذهنی و خاطرات ازلی*. چ ۹، تهران: امیرکبیر.
- سیراد، آیرین. (۱۳۹۵). *در خانه؛ انسان‌شناسی فضای خانگی*. ترجمه: غزنویان و دیگران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- شایسته‌فر، مهناز؛ محمد عبدالکریمی، شهین. (۱۳۹۳). «بررسی جایگاه اجتماعی زنان و کودکان در دوره شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸۳ ق) بر اساس تطبیق نگاره‌های نسخ شاهنامه طهماسبی و هفت اورنگ جامی»، *زن در فرهنگ و هنر*، ۶(۲)، ۱۸۹-۲۰۸.
- فیاضی، عمادالدین؛ محمد لاری، مژگان. (۱۳۸۸). «بهداشت روانی و جسمانی زن قاجار به روایت سفرنامه‌نویسان». *نشریه مسکویه*، ۴ (۱۱)، ۱۶۱-۱۷۲.
- قلی‌زاده، آذر. (۱۳۸۳). «نگاهی جامعه‌شناختی به موقعیت زنان در عصر صفوی». *پژوهش زنان*، ۲(۲)، ۷۷-۸۸.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*. ترجمه: حسن چاووشیان، جلد ۲، تهران: طرح نو.

کاظمی، خدیجه. (۱۳۸۸). *آرایش و پوشش زنان از عهد مغول تا پایان دوره قاجار*. قزوین: نشر اندیشه زرین.
گرانوسکی ا. آ؛ داندامایو م. آ. (۱۳۸۵). *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز*. مترجم: کیخسرو کشاورزی، تهران: مروارید.
کامی شیرازی، سیده مهسا؛ سلطانزاده، حسین و حبیب، فرخ. (۱۳۹۷). «تأثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی در ایران (نمونه مورد مطالعه: آشپزخانه حد فاصل سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ ه.ش)». *پژوهشنامه زنان*، ۹(۲)، ۳۳-۷۰.

کیائی، مهدخت، سلطانزاده، حسین و حیدری، علی‌اکبر. (۱۳۹۸). «سنجش انعطاف‌پذیری نظام فضایی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا؛ (مطالعه موردی: خانه‌های شهر قزوین)». *باغ نظر*، ۱۶(۷۱)، ۶۱-۷۶.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). *از جنبش تا نظریه تاریخ دو قرن فمینیسم*. تهران: انتشارت شیرازه.
ناری قمی، م. (۱۳۸۹). «مطالعه‌ای معنانشناختی در باب مفهوم درون‌گرایی در شهر اسلامی». *نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، ۲(۴۳)، ۸۲-۶۹.

ناری قمی، مسعود (۱۳۹۳). «آشپزخانه مدرن و مفهوم اجتماعی - فرهنگی آن در زندگی خانوادگی قشر مذهبی ایران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۵(۳)، ۱۳۳-۱۵۷.

ناری قمی، مسعود؛ امینی، محمدمسعود؛ فروتن، مهدی. (۱۳۹۵). «رفتار تولیدی در خانه (مطالعه موردی: تولید در خانه در قشر مذهبی در شهر قم)». *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۴(۱)، ۱۵-۱.

نرسیسیانس، امیلیا. (۱۳۹۰). *مردم‌شناسی جنسیت*. تهران: نشر افکار.
نوابخش، ع. (۱۳۶۵). *زن در تاریخ*. تهران: نشر ر فرد.

نیکنمای، کمال‌الدین؛ سعیدی هرسینی، محمدرضا؛ دژم خوی، مریم. (۱۳۹۰). «درآمدی بر تاریخچه مطالعات زنان در باستان‌شناسی». *زن در فرهنگ و هنر*، ۲(۳)، ۵-۱۷.

واتسن، گرنت. (۱۳۵۶). *تاریخ ایران دوره قاجار*. ترجمه: وحید مازندرانی، چ ۴، تهران: سخن.
وحدت‌طلب، مسعود؛ حیدری، شهرام. (۱۳۹۸). «بازخوانی نحوه بروز زنانگی در معماری دوره تیموری با تمرکز بر مؤلفه‌های بصری (نمونه موردی: مسجد گوهرشاد مشهد)». *زن در فرهنگ و هنر*، ۱۱(۴)، ۴۵۹-۴۷۹.

ورمقانی، حسنا؛ سلطانزاده، حسین. (۱۳۹۷). «نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی در شکل‌گیری خانه (مقایسه خانه‌های قاجاری گیلان و بوشهر)». *نشریه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۲(۲۳)، ۱۳۴-۱۲۳.

هروی، حسنیه؛ فلامکی، نحمد منصور و طاهایی، سید عطاالله. (۱۳۹۸). «بازتاب کهن‌الگوی مادر در معماری تاریخی ایران براساس آرای یونگ». *مجله علمی- پژوهشی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر*، ۷(۵)، ۱-۱۵.

Anonymous. (۲۰۱۱). *The Shahnama of Shah Tahmasp, The Persian Book of Kings*, New York: The Metropolitan Museum of Art.

Castells, M. (۲۰۰۹). *The Power of Identity, Volume ۲, Second edition With a new preface*

Collin, F. (۱۹۹۱). *Gender make a world*. Presences.

Colomnin, B. (۱۹۹۲). *Gender and Space*.

Davidoff, L., L'Esperance, J., & Newby, H. (۱۹۷۶), *Landscape with Figures: Home and Community in English Society*, London: in J. Mitchell and A. Oakley.

Dickson and Welch, S. C., (۱۹۸۱). *The Houghton Shahnamah*, Cambridge.

Erikson. (۱۹۹۴). *Social Use of Housing* P. ۱۲۰-۱۳۵.

Gholsorkhi, S. (۱۹۹۵). "Pari Khan Khanum: A Masterful Safavid Princess", *Iranian Studies*, ۲۸(۳), PP ۱۴۳-۱۵۶.

- Gibbons, Judith L., Beverly A., Hamby, & Wanda, D. (۱۹۹۷). «Researching Gender Role Ideologies Internationally and Cross-culturally», *Psychology of Women Quarterly*, Volume ۲۱.
- Hendrix, J.S. (۲۰۰۹). *Psychoanalysis and Identity in Architecture*, School of Architecture, Art, and Historic Preservation Faculty Publications.
- Jenkinson, A. (۱۸۸۶). *Early voyages and travels to Russia and Persia*, ed. Delmar Morgan and C. H. Coote, New York: Burt Franklin.
- Keller, S., Calhoun, C., & Light, D. (۱۹۹۴). *Sociology*, New York: McGraw-Hill.
- Marcus, C.C. (۲۰۰۳). "The house as a Symbol of the Self". Translated by Ahad Aligholian. *Journal of Khia*. ۵. Pp. ۸۴-۱۱۹.
- Marcus, C. (۲۰۰۶). *House as a mirror of self, Exploring the deep meaning of home*, Conari Press.
- Orhun, D., Hillier, B. & Hanson, J. (۱۹۹۵). "Spatial Types in traditional Turkish Houses". *Environment and Planning B*. ۲۲ (۴). Pp. ۴۷۵-۴۹۸.
- Parker, S. (۲۰۰۴). *Urban theory and the Urban experience: encountering the city*. Parker, London: Routledge.
- Rappaport, A. (۱۹۶۹). *House Form and Culture*, United State of America, University of Wisconsin Milwaukee.
- Ritzer, G., et al. (۱۹۷۹). *Sociology*. Allyn & Bacon Inc, New York.
- Shirazi, F. (۲۰۱۶). "Women's Sexuality: the Safavid Legacy", *Anthropology Research*, (۳), pp ۵-۱۵.
- Simpson, M. Sh. (۱۹۹۸). *Persian Poetry, Painting and Patronage, Illustrations in a Sixteenth/Century Masterpiece*, New Haven-London: Yale University Press.
- Sirna, K. (۱۹۸۴) *Visiting People of Iran. La Serena's Business Letter Journey*
- South, J., & Spitze, G. (۱۹۹۴). *Household in Marital & Non marital Households*, *American Sociologist Review*, Vol. ۵۹.
- Stuart Mill, J. (۱۸۶۹). *The title page of first print of Subjection of Women*
- Thiis-Evensen, T. (۱۹۸۹). *Archetypes in Architecture*, Oxford :Norwegian University Press.
- Titely, Norah M. (۱۹۸۳). *Persian Miniature Painting and its Influence on the Art of Turkey and Asia*. London: The British Library, Reference Division Publication.
- Welch, S. C. (۱۹۷۲). *A King's Book of Kings: The Shah Nameh of Shah Tahmasp*, London, Thames and Hudson. *The Archetype of Home and Secure Attachment to Self and Others: A Foundation for Individuation*, Submitted in partial fulfillment of the requirements, for the degree of Master of Arts in Counseling Psychology, Pacifica Graduate Institute.